

پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی سازی در ایران*

سید حسن شجاعی دیوکلائی^۱

چکیده

جنگ جهانی دوم که در پی یک سلسله مناقشات سیاسی اروپایی در سال ۱۹۳۹ میلادی آغاز شد، پیامدهای سیاسی و اقتصادی متعددی در ایران داشت. در نتیجه چنین وضعیتی بود که پروژه صنعتی سازی در ایران عصر رضاشاه نیز به عنوان یکی از سیاست های اقتصادی این حکومت از پیامدهای جنگ بی تأثیر نماند. جنگ جهانی در دو مرحله بر صنعتی سازی در ایران تأثیر گذاشت و در نهایت منجر به پایان پروژه صنعتی سازی در کشور شد: مرحله یکم این تأثیرگذاری از آغاز جنگ جهانی تا اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و مرحله دوم پس از اشغال ایران توسط نیروهای متفقین را در بر می گیرد. مقاله حاضر در صدد است تا با روش تاریخی و استفاده از کتابها و اسناد و مدارک آرشیوی با طرح این پرسش که جنگ جهانی دوم چرا و چگونه بر سیاست صنعتی سازی در ایران تأثیر گذاشت؟ به بررسی پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست های صنعتی سازی در ایران عصر رضاشاه بپردازد. برای پاسخ به این پرسش، این پیش فرض مطرح است که نیاز ایران به صنایع و متخصصان آلمان جهت تأسیس، تجهیز، تعمیر و نگهداری صنایع نوپای خود موجب وابستگی صنعتی ایران به آلمان شد. قطع ارتباط ایران با آلمان در نتیجه محاصره دریایی این کشور توسط انگلستان، صنایع ایران را که به صنایع و متخصصان آلمانی وابسته شده بود، دچار بحران کرد. در ادامه هم اشغال ایران توسط متفقین موجب شد تا صنایع ایران در نتیجه سیاست های جنگی متفقین به تعطیلی کشیده شوند و یا در خدمت سیاست های نظامی آنان درآیند. واژگان کلیدی: جنگ جهانی دوم، سیاست صنعتی سازی، روابط ایران و آلمان.

The Impact of World War II on industrialization policy in Iran

Seyyed Hassan Shojaee Divkolaee²

Abstract

World War II which was the result of some political European contact started 1939, had alto of political and economic consequences in Iran. As the result of such condition the industrialization project, which was one of the government's economic policy in Iran during the Reza shah era, was impressed by this war. World War II effected industrialization in Iran in tow phase and paved the way for failure of this policy in Iran. The first phase of this effect started from the outbreak of World War II until occupation of Iran in Shahrivar 1320 and the second phase was started after occupation by the Allies.

By survey of books and archived documents this article deal with problem according to historical approach to put forward this question that why and how World War II affected industrialization policy in Iran? To answer this question the hypothesis is that the necessity of establishing, equipping and keeping of newborn industry of Iran made it dependent on experts and industry of Germany. Since Iran industries depended to Germany Industries and experts, Marine blockade of Germany by England led to crisis for Iran Industries. Afterward occupation of Iran by the Allies pawed the way for either failure of industry or served according to the military policies of Allies.

Key words: World War II. Industrialization policy. Iran & Germany Relationship.

۱. دکترای تاریخ از دانشگاه شهید بهشتی * تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۳۱

2. PH.D in History, Shahid Beheshti University: Email: hassanshojaee@yahoo.com

مقدمه

از نیمه دوم قرن نوزدهم تحت تأثیر تحولات درون‌ساختاری نظام سرمایه‌داری در مرحله سوم آن (عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی)، صنعتی‌سازی در برخی از کشورهای توسعه‌نیافته آغاز شد. این شکل از صنعتی‌شدن در پی بروز بحران سود ناکافی و اجبار جوامع سرمایه‌داری صنعتی برای عبور از این بحران از طریق صدور سرمایه‌های مالی و کالاهای سرمایه‌ای به جوامع توسعه‌نیافته محقق شد و با خود پیامدهایی در جوامع توسعه‌نیافته صنعتی‌شونده به همراه داشت. مهمترین پیامد این شکل از صنعتی‌شدن، پیدایش شکل جدیدی از وابستگی در کشورهای توسعه‌نیافته بود که از آن به عنوان وابستگی صنعتی نام برده می‌شود. چنین وابستگی در حالی به وجود می‌آید که بخش بزرگی از جریان‌های سیاسی اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته با هدف محقق کردن پیشرفت و توسعه در صدد ایجاد صنایع در کشورهای خود بودند.

صنعتی‌سازی متأثر از تحولات درون‌ساختاری نظام سرمایه‌داری، به صورت محدود و با ویژگی‌های خاص خود در کشورهای توسعه‌نیافته از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شد، این امر در ایران به عنوان کشوری توسعه‌نیافته تا دهه سوم سده بیستم محقق نگردید. یکی از علت‌های اصلی به وجود آمدن چنین وضعیتی، حاکم شدن شرایط نیمه‌استعماری بر ایران عصر قاجار تحت تأثیر رقابت‌های روس و انگلیس بود. شرایط نیمه‌استعماری اگرچه اصلی‌ترین عامل ناکامی صنعتی‌سازی در آن دوره بود، اما رفع شرایط نیمه‌استعماری پس از جنگ جهانی اول نیز کمکی به صنعتی‌سازی در ایران نکرد و تنها از سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰م) بود که صنعتی‌سازی نقش و جایگاه مهمی در سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی اول پیدا کرد. در واقع با صرف‌نظر از دوران هرج و مرج سیاسی ایران پس از جنگ جهانی اول، آنچه که موجب شد تا حکومت پهلوی به‌رغم تمایل نخبگان سیاسی و فرهنگی جامعه در دهه اول حاکمیت خود صنعتی‌سازی را به صورت جدی در سیاست‌های اقتصادی خود قرار ندهد، بی‌نیازی مالی این حکومت به اجرای پروژه‌های صنعتی بود. در طی این مدت بخش بزرگی از درآمدهای حکومت پهلوی از طریق حق‌السهم امتیاز نفت، صادرات مواد اولیه کشاورزی و دامی و انحصار واردات برخی از کالاهای مصرفی از جمله قند، شکر و چای بدست می‌آمد. بر این روند کسب درآمد، بحران اقتصادی ۱۹۲۹م. خلل بزرگی وارد کرد.

در نتیجه بحران که ورشکستگی صنایع را در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی به همراه داشت، روند کسب درآمد حکومت از حق‌السهم امتیاز نفت و صدور مواد اولیه با کاهش چشمگیری مواجه شد و در پی آن بر روند کسب درآمد حاصل انحصار واردات کالاهای مصرفی نیز خلل وارد آمد. زیرا

با کاهش درآمد حاصل از صادرات مواد اولیه و حق‌السهم امتیاز نفت، قدرت خرید کالاهای مصرفی حکومت در بازارهای جهانی کاهش یافت و در نتیجه درآمد حاصل از انحصار واردات کالاهای مصرفی نیز با کاهش روبرو شد. در نتیجه چنین شرایطی بود که حکومت به منظور کسب درآمد بیشتر در صدد ایجاد صنایع و کارخانه‌هایی بر آمد که کالاهای مصرفی تولید می‌کردند.

ایجاد چنین صنایعی نیازمند واردات ماشین‌آلات از کشورهای صنعتی، و واردات این ماشین‌آلات نیز نیازمند ارز بود. این در حالی است که حکومت به منظور مقابله با مشکلات ناشی از کاهش درآمدهای ارزی به صنعتی‌سازی روی آورده بود. نیازهای جدید ارزی برای واردات ماشین‌آلات صنعتی موجب گرایش ایران به برقراری روابط اقتصادی با آلمان نازی شد. زیرا آلمان نازی در سایه سیاست‌های نظامی خود نیازمند واردات مواد اولیه بود. از آنجا که این کشور هم در نتیجه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ میلادی با مشکلات ارزی روبرو شد، در صدد بود تا مواد اولیه مورد نیاز خود را از طریق مبادله پایاپای ماشین‌آلات صنعتی با مواد اولیه بدست آورد.

بدین ترتیب بود که نیازهای متقابل اقتصادی ایران و آلمان نازی دو کشور را به هم نزدیک کرد و ایران به تأمین‌کننده مواد اولیه مورد نیاز آلمان و آلمان به تأمین‌کننده ماشین‌آلات صنعتی ایران تبدیل شد. در راستای همین روابط بود که تأسیس، تجهیز، تعمیر و نگهداری صنایع نوپای ایران به صنایع آلمان و متخصصان آن وابسته شد. چنین وابستگی تا پیش از آغاز جنگ جهانی دوم مشکلی بر روند صنعتی‌سازی در ایران ایجاد نمی‌کرد. اما با بروز جنگ جهانی دوم و درگیری آلمان در این جنگ مشکلات متعددی در اجرای پروژه‌های صنعتی در ایران به‌وجود آورد. مقاله حاضر با طرح این پرسش که جنگ جهانی دوم چه پیامدهایی بر سیاست صنعتی‌سازی در ایران داشت؟ به بررسی پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی‌سازی در ایران می‌پردازد. در پاسخ به پرسش فوق این فرضیه مطرح می‌گردد که جنگ جهانی دوم با قطع ارتباط میان ایران و آلمان، در شرایطی که هنوز ایران برای تأسیس، تجهیز، تعمیر و نگهداری صنایع خود به آلمان وابسته بود، موجبات ناکامی و پایان‌یافتن سیاست صنعتی‌سازی را در ایران فراهم کرد.

پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی‌سازی (از آغاز جنگ تا شهریور ۱۳۲۰)

نخستین مرحله تأثیرگذاری جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی‌سازی در ایران، از ماه‌های آغازین جنگ تا اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت. در این مرحله دو عامل بیش از همه بر سیاست

صنعتی‌سازی تأثیر گذاشت: عامل اول، کندی و اختلال در تجارت بین‌المللی تحت تأثیر شرایط جنگی علی‌الخصوص پس از تصمیم انگلستان به محاصره دریایی آلمان بود که ارتباط صنایع ایران را با دنیای خارج برای رفع نیازمندی‌هایش در خصوص دستیابی به ماشین‌آلات، لوازم یدکی و کالاهای واسطه‌ای محدود کرد؛ عامل دوم سیاست‌های نظامی طرف‌های درگیر جنگ در دو جبهه متفقین و متحدین مخصوصاً تصمیم آلمان در حمله به شوروی بود که با قطع کامل ارتباط میان ایران و آلمان پیامدهایی بسیار مهمی بر سیاست صنعتی‌سازی در ایران داشت.

محاصره دریایی آلمان و پیامدهای آن بر سیاست صنعتی‌سازی

امنیت یکی از اصلی‌ترین نیازهای تجارت در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و جنگ هم بزرگترین تهدید برای حفظ این امنیت است. هرچقدر ابعاد جنگ بزرگتر باشد، میزان برهم‌زندگی امنیت آن نیز بیشتر است. بر این اساس وقتی که جنگی در ابعاد بین‌المللی صورت می‌گیرد، به لحاظ قدرت برهم‌زندگی امنیت، تأثیر بیشتری در کندی و اختلال تجارت در تمامی سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. چنین قاعده‌ای در مورد جنگ جهانی دوم مخصوصاً پس از تصمیم طرف‌های درگیر جنگ برای محاصره اقتصادی طرف مقابل بسیار صادق است.

جنگ جهانی دوم در شرایطی آغاز شد که از آغاز آن، محاصره اقتصادی دشمن، یکی از سیاست‌ها و استراتژی‌های نظامی طرف‌های درگیر جنگ بود که این سیاست به صورت جدی از طریق محاصره دریایی صورت می‌گرفت. بر این اساس محاصره دریایی به عنوان یک استراتژی نظامی با هدف ممانعت دشمن از دستیابی به کالاهای حیاتی به اجرا گذاشته می‌شد.^۳ اجرای استراتژی محاصره دریایی این امکان را برای طرف‌های متخاصم فراهم می‌کرد تا در صورت برخورداری از ناوگان دریایی کارآمد، ضربه‌های اقتصادی و نظامی سنگینی بر طرف مقابل وارد کند. در راستای همین هدف بود که کابینه انگلستان در نوامبر ۱۹۴۰ میلادی طرح محاصره دریایی آلمان را به تصویب رساند.^۴ اجرای این استراتژی با توجه به برتری قدرت دریایی انگلستان، موجب کندی و قطع ارتباط آلمان با طرف‌های تجاری‌اش می‌شد. در چنین شرایطی بود که سرنوشت ایران از همان ماه‌های آغازین جنگ جهانی دوم تحت تأثیر تحولات جنگ قرار گرفت. در ماه‌ها و سال‌های آغازین جنگ این تأثیرها بیشتر اقتصادی بود. زیرا آلمان به عنوان اصلی‌ترین خریدار مواد

۳. جان گرنوبل، تاریخ جهان در قرن بیستم، ترجمه جمشید شیرازی و دیگران (تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۷)، ص ۴۵۱.

۴. ژاک پیرن، جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر، ج ۳، ترجمه رضا مشایخی (تهران: کتابخانه ابن‌سینا، بی‌تا) ص ۶۲۲.

اولیه و عمده‌ترین کشور مشارکت‌کننده در احداث طرح‌های صنعتی ایران، تبدیل به بزرگ‌ترین شریک اقتصادی، مبادلاتی و تجاری با ایران شده بود.

محاصره دریایی آلمان مشکلات فراوانی در برقراری ارتباط تجاری میان ایران و این کشور ایجاد کرد. این امر با توجه به وابسته شدن بخش‌های متعدد اقتصاد ایران به آلمان، موجبات وارد شدن لطمه‌های سنگین بر پیکره اقتصاد ایران بود. از میان بخش‌های متعدد اقتصاد ایران، بخش صنعت در نتیجه وابستگی به آلمان دچار بحران‌های شدیدتری شد. محاصره دریایی و بروز اختلال در روابط ایران و آلمان در حالی صورت می‌گرفت که هنوز تأسیس، تعمیر، تجهیز و نگهداری صنایع و کارخانه‌های ایران نیازمند لوازم یدکی، ماشین‌آلات و متخصصان صنعتی آلمان بود.

مشکل ایران در این وضعیت مانند دیگر کشورهایی که در چنین وضعیتی هستند، رسیدن به مرحله اجرای سیاست صنعتی‌سازی در کشور بود. این مشکل ناشی از نیاز به واردات ماشین‌آلات و تکنولوژی از کشورهای صنعتی است که منجر به بروز شکل جدیدی از وابستگی کشورهای توسعه‌نیافته به کشورهای صنعتی تحت عنوان وابستگی صنعتی می‌گردد. در حالی که یکی از اهداف اصلی صنعتی‌سازی در کشورهای توسعه‌نیافته تلاش این کشورها برای قطع روابط و مناسبات وابستگی به کشورهای سرمایه‌داری صنعتی است؛ این اقدام خود به عاملی تبدیل می‌شود که وابستگی را تشدید می‌کند. زیرا صنعتی‌سازی نیازمند جریان مداوم واردات ماشین‌آلات و تکنولوژی و استخدام متخصصان صنعتی از کشورهای صنعتی به منظور تأسیس، تجهیز، تعمیر و نگهداری صنایع نوپا است و وابستگی صنعتی در چنین شرایطی به وجود می‌آید. در این وضعیت قطع جریان واردات ماشین‌آلات و تکنولوژی و ناکامی در به‌کارگیری متخصصان صنعتی منجر به بروز بحران در جوامع توسعه‌نیافته می‌شود. زیرا کشورهای توسعه‌نیافته اگر قبل از اجرای سیاست صنعتی‌سازی صرفاً کالاهای مصرفی وارد می‌کردند، با اجرای سیاست صنعتی‌سازی، واردات را با ابعاد گسترده‌تری در زمینه کالاهای و تجهیزات واسطه‌ای^۵ و سرمایه‌ای^۶ انجام می‌دهند. در چنین شرایطی است که وابستگی تشدید می‌شود. زیرا مشکلات ناشی از قطع شدن واردات کالاهای و تجهیزات واسطه‌ای و سرمایه‌ای بیشتر از مشکلات ناشی از قطع واردات کالاهای مصرفی است. زیرا قطع واردات کالاهای مصرفی فقط موجب کاهش مصرف می‌شود، ولی قطع واردات کالاهای

۵. منظور از کالاهای واسطه‌ای، مواد اولیه صنعتی مورد نیاز صنایع و کارخانه‌ها است. تفاوت این کالاهای با مواد اولیه در تولید این کالاهای در جریان تولید صنعتی در مقابل تولید طبیعی مواد اولیه است.

۶. منظور از کالاهای سرمایه‌ای کالاهایی هستند که تولید ماشین‌آلات می‌کنند. به تعبیر دیگر کالاهای سرمایه‌ای ماشین‌آلات صنعتی هستند که از آنها ماشین‌آلات صنعتی تولید می‌شود.

واسطه‌ای و سرمایه‌ای علاوه بر کاهش مصرف، با خود تعطیل کارخانه‌ها و در پی آن رکود اقتصادی و شکل‌گیری بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی^۷ را به همراه دارد.^۸

چنین قاعده‌ای در مورد ایران عصر رضاشاه نیز صادق بود. جنگ جهانی موجب کندی و اختلال در مناسبات تجاری بین‌المللی شد. در پی این وضعیت ارتباط ایران با طرف‌های قرارداد صنعتی مخصوصاً آلمان با کندی و اختلال مواجه شد. در مورد اخیر، مخصوصاً محاصره دریایی این کشور توسط انگلستان نقش زیادی داشت. محاصره دریایی آلمان در حالی صورت می‌گرفت که هنوز صنایع ایران به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از آلمان نیازمند بود. آلمانی بودن بخش اعظم صنایع ایران از یک سو و قراردادهای عمده واردات ماشین‌آلات و کارخانه‌های صنعتی ایران با آلمان از سوی دیگر موجب می‌شد تا کندی در برقراری رابطه میان ایران و آلمان مشکلات متعددی را برای صنایع و روند صنعتی‌سازی در ایران بوجود آورد. کندی و اختلال ارتباط با طرف‌های قراردادهای صنعتی تنها مختص آلمان نبود. بلکه همین مشکلات دامنگیر مناسبات ایران با سایر کشورهای طرف قرارداد صنعتی نیز شد. در چنین شرایطی مشکلات متعددی برای ایران در راستای اجرای پروژه‌های صنعتی بوجود آمد که مهمترین آن عبارت بودند از:

۱. قطع جریان واردات لوازم یدکی مورد نیاز صنایع و کارخانه‌ها؛ بنابر روایت اسناد، لوازم یدکی کارخانه نساجی بهشهر که از شرکت اونیون ماتکس آلمان خریداری شده بود، تا اسفند ۱۳۱۹^۹ و موتور دیزل و شصت عدد بلبرینگ کارخانه قند کرج که از شرکت چسکاموراوسکا چکسلواکی-کشور تخت اشغال آلمان - خریداری شد بود تا مهر ۱۳۲۰^{۱۰} تحت شرایط ناشی از محاصره دریایی آلمان به ایران ارسال نشدند.

۷. اصلی‌ترین عامل بروز چنین بحران‌هایی ناشی از افزایش نرخ بیکاری در شاغلان بخش صنعت و سایر بخش‌های اقتصادی در ارتباط با بخش صنعت از جمله کشاورزی و دامداری صنعتی است.

۸. عبدالناصر همتی، مشکلات اقتصادی جهان سوم (تهران: سروش، ۱۳۶۶) ص ۴۶

۹. لوازم یدکی این کارخانه که از شرکت اونیون ماتکس آلمان خریداری شده بود توسط شرکت حمل‌ونقل باومان با یک کشتی آلمانی به ایران حمل می‌شد. اما بواسطه جنگ ناچار شد به آلمان بازگردد و در حالی که شرکت حمل‌ونقل‌کننده کالا در صدد بود این لوازم را از طریق شوروی یا بندر تریست به ایران بفرستد، کارخانه اونیون ماتکس از پرداخت وجه مورد نیاز برای ارسال بواسطه آنکه تعهد خود را انجام‌شده می‌دانست خودداری کرد.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۳۹۹۵، محل در آرشیو ۴۰۲ ق ۱ آ ۳، ص ۳۰.

۱۰. کالاهای مذکور در مرز شوروی و رومانی بواسطه آن که حکومت شوروی به آن اجازه عبور نداد به کارخانه قند کرج

نرسید.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۹۷۵۲، محل در آرشیو ۴۰۴ ب ۵ آ ۱، ص ۱ - ۱۵.

همچنین نک اداره آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه، ۴۹ - (۵۶) - ۵۴ - ۱۳۱۹Sh.

۲. قطع جریان واردات کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع: کارخانه‌های اختصاصی وزارت پیشه و هنر در شهریور ۱۳۱۹^{۱۱} کارخانه دخانیات در اسفند ۱۳۱۹^{۱۲} و کارخانه چرم خسروی تبریز در خرداد ۱۳۲۰^{۱۳} در اثر جنگ و محاصره دریایی دچار چنین مشکلی شدند.

۳. افزایش قیمت مواد مصرفی و ماشین‌آلات وارداتی کارخانه‌ها و صنایع در شرایط جنگی: کارخانه کبریت‌سازی سعادت زنجان در شهریور ۱۳۱۸^{۱۴} اداره مرکزی کارخانه‌های قند در مهر ۱۳۲۰^{۱۵} و وزارت دارایی در خرید لوازم یدکی دستگاه‌های پنبه‌پاک‌کنی در خرداد ۱۳۲۰^{۱۶} با این مشکل مواجه شدند.

۴. قطع جریان ورود ماشین‌آلات مورد نیاز صنایع و کارخانه‌ها: ماشین‌آلات کارخانه برنج‌پاک‌کنی شرکت سهامی برنج در مهر ۱۳۱۸^{۱۷} کارخانه قند مرو دشت^{۱۸} و کنسروسازی شاهی در ۱۳۱۹^{۱۹}

۱۱. این کارخانه‌ها برای مصارف خود مقداری رنگ شیمیایی از شرکت شیمیایی بال سوئیس خریداری کردند. کشتی ایتالیایی حامل این رنگ‌ها در هندوستان به آن کشور پناهنده شد. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۰۴۷ (۶۹ - ۱) ۱۷ - ۵۳ - ۱۳۱۹ Sh.

۱۲. این کارخانه حدود صد تن کاغذ سیگاربندی به کارخانه فنلاندی ترواکسکی سفارش داد که قرار بود این کالاها از طریق روسیه به ایران واردکنند، اما نبود واگن کافی در روسیه جهت حمل کالا مانع از این کار شد. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۹۸۴۱، محل در آرشیو ۳۰۱ ص ۴ آ ۱، ص ۲.

۱۳. این کارخانه در نتیجه مشکلات مبادلاتی بوجودآمده از جنگ نتوانست مواد خام و واسطه‌ای مورد نیاز کارخانه مانند عصاره دباغی را از آرژانتین و ترکیه خریداری کند. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۳۷۸۴۶، محل در آرشیو ۴۰۲ پ آ ۱، ص ۴.

۱۴. بروز جنگ موجب افزایش قیمت مواد شیمیایی مورد نیاز این کارخانه شد که نتیجه آن افزایش قیمت کبریت ساخت این کارخانه بود. این افزایش قیمت موجب شد محصولات کبریت کارخانه توان رقابت خود را با کالای مشابه وارداتی از دست بدهد. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۳۴۰۰۱۰۷۰۳، محل در آرشیو ۷۰۲ ط ۱ آ ۱، ص ۶۸.

۱۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره، ۲۴۰۰۲۱۸۴۹، محل در آرشیو ۴۲۰ ث ۲ ب آ ۱، ص ۶۸.

۱۶. اداره کارخانجات وزارت دارایی جهت خرید لوازم یدکی کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی از شرکت ویلی شنل آلمان به توافق رسید. در این توافق که به امضا قرارداد نرسید، طرفین بر سر قیمت قرارداد و تحویل لوازم در بنادر ایران به توافق رسیده شفاهی بودند. اما هنگام امضای قرارداد که همزمان با شروع جنگ بود، کمپانی شرکت ویلی شنل بر قیمت توافق‌شده افزود و همچنین از تعهد تحویل لوازم در بنادر ایران نیز خودداری کرد. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. سند شماره، ۲۴۰۰۰۸۶۰۲، محل در آرشیو ۶۰۱ س ۱ آ ۱، ص ۵۰.

۱۷. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۴۷۱۸، محل در آرشیو ۴۱۱ ک ۳ آ ۱، ص ۱۵.

۱۸. ماشین‌آلات مذکور برای افزایش ظرفیت تولید کارخانه قند مرو دشت از آلمان خریداری شده بود. هنگام حمل به ایران با کشتی «عربابا» در مصب ساحل آفریقا توسط متفقین توقیف شد. علی زاهدی. صنایع ایران پس از جنگ (تهران: بی‌نا، ۱۳۳۳) ص ۱۱۳.

۱۹. این کارخانه از کشور دانمارک خریداری شد و قرار بود از طریق شوروی وارد خاک ایران شود. اما به دلیل بروز جنگ به ایران نرسید. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۰۰۲ (۵۶ - ۱) ۵۴ - ۵۲ - ۱۳۱۹ Sh.

ماشین‌آلات مورد نیاز کارخانه‌های ذوب‌آهن کرج در شهریور ۱۳۲۰^{۲۰} و ماشین‌آلات سیم‌نقاله مربوط به زغال سنگ معادن شمشک روته، لالون و دره جاجرو در تار تا سال ۱۳۲۳^{۲۱} به دلیل مشکلات به‌وجود آمده در نتیجه جنگ به ایران نرسید. بدین ترتیب در نتیجه بروز جنگ و محاصره دریایی آلمان به عنوان اصلی‌ترین کشور مشارکت‌کننده ایجاد پروژه‌های صنعتی، در روند تأسیس، تجهیز، تعمیر و نگهداری صنایع ایران مشکلاتی به‌وجود آورد. در چنین شرایطی تمامی تلاش‌های دولت به رفع این مشکل معطوف شد.

واکنش ایران به مشکلات ناشی از محاصره دریایی آلمان

نخستین اقدام حکومت ایران برای رفع مشکلات ناشی از محاصره دریایی آلمان، اعزام هیأتی نظامی به شهر برن در شهریور ۱۳۱۸ بود. این هیأت مأموریت داشت تا وصول سفارش‌های صنعتی ایران از کارخانه‌ها و شرکت‌های آلمانی و دیگر کشورهای اروپایی را پی‌گیری کند. همه وزارت‌خانه‌ها و ادارات در راستای همکاری با این هیأت موظف شدند تا فهرست سفارش‌های خود را با درج اطلاعاتی از قبیل مقدار کالای سفارش شده، محل سفارش، اسم کارخانه، نماینده و عامل در محل سفارش، به صورت مشروح به وزارت جنگ ارسال کنند تا در اختیار هیأت اعزامی به برن قرار گیرد.^{۲۲} تلاش‌های هیأت اعزامی مستقر در برن به‌رغم وعده‌های همکاری متفقین و مخصوصاً انگلستان مبنی بر اجازه ارسال کلیه کالاهای سفارش داده شده از آلمان به ایران،^{۲۳} موفقیتی با

۲۰. قرارداد خرید این کارخانه از کمپانی دماک آلمان در سال ۱۳۱۶ منعقد شد و قرار بود این کارخانه تا سال ۱۳۲۰ توسط کمپانی دماک در ایران راه‌اندازی شود. اما به واسطه جنگ راه‌اندازی این کارخانه به زمستان سال ۱۳۲۲ موکول گردید. در حالی که به واسطه محاصره دریایی آلمان مقرر شده بود ماشین‌آلات مورد نیاز از طریق روسیه به ایران وارد شود ولی حمله آلمان به شوروی این امکان را از بین برد و سرانجام در سال ۱۳۲۳ از سوی دولت هیأتی چهار نفره که در رأس آن مهندس علی زاهدی قرار داشت مامور فروش برخی از ملزومات، ماشین‌آلات و تاسیسات بازمانده از کارخانه شد. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۴۹۲۳، محل در آرشیو ۸۰۳ د ۳ ب آ ۱، ص ۱۵.

۲۱. این ماشین‌آلات قرار بود توسط شرکت فروشتال آلمان و بر اساس قرارداد سال ۱۳۱۵ ایران و شرکت فروشتال به ایران ارسال شود که جنگ جهانی مانع از تحویل آن شد. علی زاهدی، لزوم پروگرام صنعتی، صنایع ایران بعد از جنگ (تهران: بی‌نا، ۱۳۴۲) ص ۱۶۰.

۲۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۴۷۱۸، محل در آرشیو ۴۱۱ ک ۳ آ آ ۱، ص ۳.

۲۳. سرریدر بولارد و سرکلارمونت اسکرابین، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، ج ۲ (تهران: نشرنو، ۱۳۶۳)، ص ۳۱ انگلیسی‌ها همچنین از ایران خواسته بودند تا نسبت به هر سفارشی که از برلین تحویل گرفته می‌شود، پنج نسخه به زبان انگلیسی تهیه و به لندن ارسال کنند تا از سوی این کشور اجازه حمل آن صادر شود. گزارش‌های تهیه شده از کنسول ایران در بندر ترنست به لندن ارسال می‌شد. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۳۹۹۶، محل در آرشیو ۴۰۱ ق ۱ آ آ ۱، ص ۱۰.

خود به همراه نداشت. به همین دلیل حکومت در صدد پیدا کردن راه‌حل‌های دیگری برآمد. این راه‌حل‌ها عبارت بودند از: تلاش برای پیدا کردن راه‌های جدید جهت حمل‌ونقل ملزومات صنعتی به ایران و جایگزین کردن کشورهای صنعتی دیگر جهت تأسیس، تجهیز، تعمیر و نگهداری صنایع نوپای ایران.

تلاش برای پیدا کردن راه‌های جدید جهت حمل‌ونقل ملزومات صنعتی به ایران، از همان روزهای آغازین جنگ جهانی در اندیشه دولتمردان ایران وجود داشت. زیرا آنان از آغاز جنگ نگران قطع ارتباط مواصلاتی ایران و آلمان بودند. به‌رغم چنین نگرانی، تمایل حاکمان سیاسی و اقتصادی ایران به حفظ ارتباط اقتصادی و مبادلاتی با آلمان همچنان قوی بود و حتی تشدید روند جنگ و افزایش مخاصمات نیز در آن تأثیری نمی‌گذاشت. به‌طوری که در ۱۵ شهریور ۱۳۱۹ امیر خسروی، وزیر دارایی ایران، به وزیر مختار آلمان در ایران اعلام کرد، در صورتی که بتوان مسائل و مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی و مشکلات ناشی از آن را در زمینه واردات و صادرات را حل کرد، دولت ایران نه تنها به حفظ روابط بازرگانی خود با آلمان تمایل دارد، بلکه حتی حاضر به توسعه آن است.^{۲۴}

تمایل به ادامه رابطه با آلمان در شرایط جنگی و در وضعیتی که محاصره دریایی انگلستان کار مبادلات را دشوار می‌کرد از دو عامل احتیاج و اجبار ایران به ادامه این رابطه ناشی می‌شد: ایران به این دلیل به ادامه رابطه با آلمان احتیاج داشت که این کشور بهترین خریدار مواد اولیه کشاورزی و دامی ایران به لحاظ قیمت بود. اجبار به حفظ این رابطه به این دلیل بود که آلمان تقریباً خریدار تمامی اقلام مواد اولیه ایران بود. درحالی که دیگر کشورها تمایل به خرید اقلامی خاص از مواد اولیه ایران داشتند. به همین دلیل قطع روابط مبادلاتی ایران و آلمان، ایران را در فروش مواد اولیه‌اش دچار مشکل می‌کرد. این مسأله را می‌توان در استدلال وزارت بازرگانی در مخالفت با پیشنهاد یک تاجر ایرانی به نام درودی مبنی بر فروش کرک بز و پشم شتر به کشورهای ارزی^{۲۵} مشاهده کرد. وزارت بازرگانی در نامه‌ای به نخست‌وزیر دلایل مخالفت خود با این پیشنهاد را اینگونه بیان کرد:

بطوری که مسبوقند وضعیت فعلی صادرات این دو کالا این است که اگر به کشورهای ارزی صادر شود

۲۴. همایون الهی، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم (تهران: مرکز دانشگاهی، ۱۳۶۱)، ص ۶۹.

۲۵ منظور از کشورهای ارزی کشورهایی بودند که به جای شیوه مبادله پایاپای آلمان، حاضر به پرداخت بهای مواد اولیه ایران

از طریق ارزهای رایج بودند.

معادل صدی پنجاه ارز حاصل از فروش آن به صادر کنندگان آن داده می‌شود که بتوانند بوسیله آن کالای خارجی وارد نمایند. و اگر به کشور پایاپای - آلمان - صادر شود، تمام وجه حاصل از فروش آن باید به صندوق پایاپای ریخته شده و با اینکه احتیاجات زیادی که بمواد اولیه دارند آنرا به بهای بیشتری خریداری می‌نمایند. بنابر این عملاً کالاهای مزبور به کشورهای ارزی کمتر صادر می‌شود. و این مسأله اختصاص به موی بز و پشم شتر نداشته بلکه اغلب کالاهای صادراتی ما فعلاً همین وضعیت را پیدا کرده‌اند و البته ممکن است همینکه تغییری در وضعیت فعلی حاصل شده یا اینکه احتیاجات آلمان به صورت دیگر برآورده شود در صدور کالاهایی که فعلاً مهمترین بازار آن کشور نامبرده است، مشکلاتی حاصل شود. لکن راه‌حلی که آقای درودی نسبت به پشم شتر و موی بز پیشنهاد نموده‌اند، عملاً قابل اجرا نیست زیرا مطابق اصول جاریه و مقررات قرارداد بازرگانی ایران و آلمان نمی‌توان صدور یک یا چند نوع کالا را اختصاصاً به کشور نامبرده ممنوع نمود و اگر صدور کالایی ممنوع یا موقوف به شرایط خاص می‌شود باید نسبت به کلیه کشورهای بیگانه یکسان باشد زیرا در غیر این صورت عنوان تبعیض پیش خواهد آمد.^{۲۶}

در سایه چنین احتیاج و اجباری، حفظ روابط اقتصادی با آلمان ضروری بود و به واسطه همین ضرورت می‌بایست راه‌های مواصلاتی جدید گشوده می‌شد. در آن شرایط که راه دریایی با خطر مواجه شده بود، راه زمینی بهترین و تنها راه برقراری ارتباط بود. برقراری ارتباطی زمینی با آلمان از دو طریق امکان پذیر بود: عبور از خاک ترکیه و از طریق شوروی. ترکیه فاقد راه زمینی مناسب و خوب بود، اما شرایط شوروی فرق داشت. این کشور دارای راه‌های شوسه، راه‌آهن و بنادر مناسب برای برقراری روابط مواصلاتی ایران با آلمان بود.^{۲۷} با توجه به برخورداری از چنین مزایایی، شوروی به عنوان کشور برقرارکننده راه مواصلاتی در اولویت قرار گرفت. اما تحقق این امر بواسطه وجود سوابق اختلاف سیاسی میان ایران و شوروی با مشکلاتی روبرو بود.

برای رفع این مشکلات و تحقق خواسته مذکور، دولت ایران به آلمان پیشنهاد کرد که دو کشور مشترکاً دیپلماسی خود را جهت راضی کردن دولت شوروی در خصوص فراهم آوردن تسهیلات ترانزیتی میان ایران و آلمان بکار گیرند. این پیشنهاد مورد قبول دولت آلمان قرار گرفت و سفیر این کشور در مسکو مأموریت یافت که در تماس نزدیک با سفیر ایران، او را در ارائه پیشنهادهایی که دولت ایران در نظر داشت تسلیم مقامات روسی نماید، پشتیبانی کند. آلمانی‌ها معتقد بودند که

۲۶. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۳۷۰۵۸، محل در آرشیو ۸۰۳ ی ۲ ب آ ۱، ص ۹.

۲۷. الهی، ص ۶۹.

همکاری میان ایران و شوروی نه تنها به نفع دو کشور، بلکه به نفع آلمان هم خواهد بود و بر روابط اقتصادی میان ایران و آلمان هم تأثیر خواهد گذاشت.^{۲۸} در این شرایط، حکومت شوروی از برقراری این روابط اهداف دیگری را دنبال می‌کرد و درصدد بود تا اصرار ایران و آلمان را وسیله‌ای برای دستیابی به مقاصد سیاسی و اقتصادی خود در ایران قرار دهد.^{۲۹}

به‌رغم چنین خواسته‌هایی، با اعمال فشار آلمان مذاکره میان ایران و شوروی برای استفاده از خاک شوروی برای مبادله کالا میان آلمان و ایران آغاز شد و در نتیجه آن قرارداد ۱۳۱۹ (۱۹۴۰م)، ایران و شوروی به امضا رسید. در این قرارداد ۱۶ ماده‌ای که هدف آن فراهم آوردن تسهیلات ترانزیتی میان دو کشور بود، مقرر شد از محصولات طبیعی و صنعتی که مبدأ آن خاک گمرکی یکی از طرفین متعاهدین باشد، در موقع ورود به خاک گمرکی طرف متعاهدین دیگر، حداقل حقوق گمرکی و دیگر عوارضی که در تعرفه گمرکی و قوانین کشور واردکننده پیش‌بینی شده یا خواهد شد، دریافت شود. همچنین مقرر شد تا با در نظر گرفتن منافع بازرگانی ایران و به موافقت ماده ۲۰ عهدنامه مورخه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ منعقد بین ایران و جمهوری متحده شوروی سوسیالیستی و برای تصریح مدلول آن، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ترانزیت آزاد را از خاک خود برای محصولات طبیعی و صنعتی ایران به کشور ثالثی بدهد. از طرف دولت ایران هم اجازه ترانزیت آزاد محصولات طبیعی و صنعتی اتحاد جماهیر شوروی از خاک ایران به هر کشور ثالثی داده شد.^{۳۰}

پس از امضای قرارداد چنین به نظر می‌رسد که مشکل ترانزیت کالا میان ایران و آلمان شود، اما این امر تحت تأثیر دو عامل محقق نشد:

عامل نخست در محقق نشدن خواسته‌های ایران از قرارداد بازرگانی با شوروی به کارشکنی‌های حکومت شوروی مربوط می‌شد. حکومت شوروی به‌رغم قرارداد، حاضر به همکاری با ایران برای ایجاد تسهیل در امور مبادلاتی نبود و به بهانه‌های مختلف در این زمینه کارشکنی می‌کرد. نمونه‌ای از این کارشکنی‌ها را می‌توان در گزارش هادی سپانلو، یکی از اعضای هیأت اعزامی ایران در تریست که مأمور وصول و ارسال کالا به کشور بود مشاهده کرد. در این گزارش وی عنوان کرد:

۲۸. الهی، ص ۷۰.

۲۹. از جمله درخواست‌های شوروی در جریان مذاکرات آزادی تمام کمونیست‌های زندانی در ایران و همچنین دریافت حق انحصاری فروش نفت شوروی در مناطق شمالی ایران بود. عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، روابط خارجی ایران در دوره پهلوی (تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۰)، ص ۵۸.

۳۰. روزنامه رسمی کشور، مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ج ۲ (تهران: قوه قضائیه، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸) ص ۱۶۶۷.

علاوه بر کالاهایی که از تریست حمل می‌گردید، بعداً که قرارداد ایران و شوروی امضا شد سعی گردید کالاهایی که صلاح بود مورد احتیاج فوری می‌باشد و کرایه آن نیز ارزش حمل داشته باشد از راه‌های مختلف شوروی فرستاده شود. برای اجرای این عمل مقرر گردید هیأت مزبور نسبت به هر مورد توسط شرکت باربری که عهده‌دار حمل می‌گردد اظهارنامه‌ای به پیوست صورت مشخصات کالا و گواهی‌نامه مبدأ در سه نسخه برای نمایندگان بازرگانی شوروی در برلین ارسال دارند که پس از رسیدگی، پروانه صادر نمایند. در این صورت حمل کالا از شوروی منوط به وصول پروانه عبور بوده و این پروانه را نماینده شوروی در ظرف ده روز و پاره‌ای از اوقات تا یک ماه بیشتر صادر می‌کرد. پس از حمل دیگر اختیار آن از دست هیأت خارج می‌گردید. زیرا بعداً معلوم گردید که مقدار کلی کالاهای ارسالی را در باطوم به بهانه نداشتن وسایل و غیره نگهداشته‌اند... در مواقعی که هیأت اقتصادی در بندر مشغول بوده میزان سهمیه‌ای که نماینده شوروی برای حمل از طرق مختلف شوروی برای ایران معین کرده بود، خیلی کم بود. روی هم رفته به شش هزار تن نمی‌رسید. از این جهت کالاهای ارسالی دولت و تجار از لحاظ ترتیب حمل در خاک شوروی تابع تصمیمات و نظریات مقامات شوروی بود. از طریق شوروی فقط کالاهایی قابل حمل بود که ساخت کشور آلمان بوده باشد نه از اراضی متصرفی آن، زیرا برای حمل کالاهای ساخت سایر کشورها، نمایندگان شوروی تقاضای ارز به دلار داشتند.^{۳۱}

در نتیجه همین بهانه‌جویی‌ها و کارشکنی‌ها بود که کارخانه کنسروسازی شاهی،^{۳۲} لوازم یدکی کارخانه قند کرج^{۳۳} و مواد مصرفی مورد نیاز کارخانه دخانیات^{۳۴} که قرار بود با توجه به قرارداد بازرگانی ۱۵ فروردین ۱۳۱۹ ایران و شوروی از این کشور حمل و به ایران ارسال شود، با مشکل مواجه شد.

عامل دوم در محقق نشدن خواسته‌های ایران از قرارداد بازرگانی با شوروی، حمله آلمان به شوروی بود. این حمله موجب شد تا امکان محدود ترانزیت کالا از شوروی نیز به کلی از بین برود. حمله آلمان به شوروی که در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ (۱ تیر ۱۳۲۰) اتفاق افتاد، ارتباط مبادلاتی ایران و آلمان را به کلی قطع کرد و موجب شد تا ایران برای رفع نیازهای اقتصادی از جمله نیازهای صنعتی خود به دنبال جایگزینی برای آلمان باشد. اما حمله متفقین به ایران و اشغال کشور در شهریور ۱۳۲۰ مجال برای تحقق این امر نداد؛ هر چند که پیش از این از سوی ایران تلاش‌هایی در این زمینه

۳۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران سند شماره ۰۱۳۹۹۶-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۴۰۱ ق ۱ آ ۳، ص ۲۳ - ۱۴.

۳۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۰۰۲ (۵۶ - ۱) ۵۴ - ۵۲ - ۱۳۱۹ Sh

۳۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۰۱۹۷۵۲-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۵۱۷۰۴ ب آ ۱، ص ۱۵ - ۱.

۳۴. همان، سند شماره ۰۰۹۸۴۱-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۳۰۱ ص ۱ آ ۴، ص ۲.

صورت گرفته بود.

نگرانی از قطع ارتباط با آلمان با توجه به نیاز شدید اقتصادی به این کشور از آغاز جنگ در میان رجال سیاسی و اقتصادی ایران وجود داشت. در یکی از جلسات هیأت دولت در مهر سال ۱۳۱۸، گزارشی از وزیر اقتصاد در خصوص این نگرانی ارائه شد. در این گزارش وی پیشنهاد کرد تا به منظور رفع مشکلات احتمالی پیش‌روی کشورها ایتالیا، آمریکا و ژاپن به عنوان شریک اقتصادی و طرف اول مبادلاتی تجاری و صنعتی جایگزین، آلمان شوند. در این گزارش تصریح شده بود، دولت ایران نمی‌تواند مطمئن باشد که مبادله کالا بین ایران و آلمان به حدی برسد که در قرارداد اقتصادی یک سال قبل دو کشور تعیین شده بود. همچنین بر این نکته نیز اظهار تردید شد که قسمت اعظم کالاهای معمولی که در سال‌های گذشته از طریق راه دریایی از آلمان حمل می‌شد، در آینده از راه ترانزیتی شوروی قابل حمل باشد. بر این اساس در این گزارش خواسته شده بود با توجه به وضع فوق‌العادهٔ زمان جنگ و ناتوانی در مبادلهٔ کالا با آلمان، دولت ایران به فکر مبادله با دیگر دولت‌ها باشد.^{۳۵} چنین پیشنهادی اگرچه به واسطهٔ نیاز و اجبار ایران به مبادلات اقتصادی با آلمان تا زمان حمله این کشور به شوروی به صورت جدی پیگیری نشد، اما در طی این مدت تلاش‌هایی صورت گرفت تا کاستی‌های ناشی از کندی روابط ایران و آلمان از طریق برقرار روابط تجاری با برخی از کشورها برطرف شود.

در این زمان به لحاظ اقتصادی و صنعتی انگلستان و آمریکا تنها کشورهایی بودند که از این امکان برخوردار بودند تا جایگزین آلمان شوند. اما امکان برقراری ارتباط اقتصادی و مبادلاتی با این دو کشور آن‌گونه که با آلمان برقرار گردید وجود نداشت. انگلستان به دلیل درگیری در جنگ و قرارگرفتن صنایع این کشور در خدمت اهداف نظامی، قادر به برطرف کردن نیازهای صنعتی ایران نبود. این کشور حتی به بهانهٔ جنگ از انجام برخی تعهدات اقتصادی پیش از جنگ خود به ایران سرباز زد که از جملهٔ این تعهدات، تحویل ریل مورد نیاز برای راه‌آهن ایران بود.^{۳۶}

در چنین شرایطی، ایران برای برقراری رابطه با آمریکا در دی‌ماه ۱۳۱۸ اقدام کرد. در راستای عملی کردن این ایده، متین‌دفتری نخست‌وزیر ایران از کاردار آمریکا در تهران خواست تا با وی ملاقات کند. در ملاقاتی که بنابر این درخواست انجام شد، متین‌دفتری به کاردار آمریکا گفت که دولت ایران بسیار سپاس‌گزار خواهد شد چنانکه وزارتخانه‌های آمریکا تلاش خود را بکار

۳۵. الهی، ص ۷۱.

۳۶. احمد علی سپهر، *ایران در جنگ جهانی دوم* (تهران: دانشگاه ملی، ۱۳۵۵/۲۵۳۵)، ص ۳۶.

گرفته سفارش‌های ایران را تأمین کنند و در صورت امکان وامی در اختیار دولت ایران بگذارند.^{۳۷} تلاش‌های دولت برای تحقق این درخواست‌ها به این اندازه محدود نماند و به منظور جلب نظر دولت آمریکا هیأتی از ایران به این کشور سفر کرد و این درخواست‌ها را تکرار نمود. ایران متمایل بود تا روابط اقتصادی با آمریکا بر اساس همان سیستم معاملات پایاپای با آلمان باشد. پاسخ دولت آمریکا به این درخواست در فوریه ۱۹۴۰ (بهمن ۱۳۱۸) منفی بود. وزیر امور خارجه آمریکا به کاردار خود در ایران دستور داد تا به دولت ایران توضیح دهد که نباید از حکومت آمریکا انتظار داشته باشد موضوع معاملات پایاپای با ایران را مورد بررسی قرار دهد. زیرا چنین ترتیبی با سیاست بازرگانی خارجی دولت آمریکا که استوار بر معاملات بازرگانی چند جانبه و اصل دول کامله‌الوداد است ناسازگاری دارد. وزیر امور خارجه آمریکا از طریق کاردار خود به ایران پاسخ داد که کشورش نمی‌تواند به مؤسسات بازرگانی خصوصی فشار آورد و در کار بخش خصوصی دخالت کند.^{۳۸} بدین ترتیب امکان جایگزینی آمریکا به جای آلمان به عنوان تنها قدرت اقتصادی بزرگی که می‌توانست خریدار مواد اولیه و همچنین صادرکننده ماشین‌آلات صنعتی باشد از بین رفت.

ایران امید خود را از بکارگیری سرمایه‌های بخش خصوصی آمریکا و انگلیس از دست نداد و با درج آگهی‌های تبلیغاتی و مناقصه در روزنامه‌های دو کشور، درصدد بکارگیری شرکت‌ها و کارخانه‌های صنعتی این دو کشور برای تأسیس، تعمیر و تجهیز صنایع برآمد. بکارگیری این رویه اگرچه در برخی مواقع مانند خرید دستگاه‌های پنبه‌پاک‌کنی کارخانجات املاک اختصاصی شاه در گرگان و مازندران به نتیجه منجر شد،^{۳۹} اما در مجموع به دلیل شرایط جنگی نتایج زیادی دربر نداشت. به‌عنوان مثال سفارت ایران در لندن طی نامه‌ای در ۱ تیر ۱۳۱۹ از طریق وزارت امور خارجه خواست تا به وزارت پیشه‌و هنر اطلاع دهد که به چند دلیل از درج آگهی مناقصه در روزنامه‌های انگلستان برای استفاده از کمپانی‌های این کشور خودداری کند؛ ۱. به دلیل مشکلات حمل و نقل تحت تأثیر شرایط جنگی مراسلات زمانی می‌رسد که از زمان مناقصه گذشته است؛ ۲. کمپانی‌های انگلیسی به دلیل شرایط جنگی حاضر به همکاری نیستند؛ ۳. دولت انگلستان با آغاز جنگ تمام کارخانه‌ها را تحت نظارت خود درآورد و تمامی سعی خود را صرف تهیه لوازم جنگی کرده و کمتر حاضر به فروش اجناس به کشورهای خارجی است. براین اساس سفارت ایران در لندن اعلام کرد

۳۷. پیتر آوری، تاریخ معاصر ایران، ج ۲، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی (تهران: مطبوعاتی عطایی، بی‌تا)، ص ۱۷۵.

۳۸. همان، ص ۱۷۸.

۳۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۸۶۶۰۱، محل در آرشیو ۶۰۹ س ۱ آ ۱، ص

که درج آگهی مناقصه در روزنامه‌های انگلستان ائتلاف وقت و خرج بیهوده است.^{۴۰} مشابه همین گزارش را سفارت ایران در آمریکا در تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۱۹ به نخست وزیر ارسال کرد که در آن آمده بود: «وزارت‌خانه‌ها و بنگاه‌های دولتی شاهنشاهی آگهی مناقصه‌هایی که راجع به خرید منتشر می‌کنند به این سفارت‌خانه می‌فرستند که به اطلاع علاقه‌مندان برسد. لکن غالباً وقتی آگهی و اسناد مناقصه به اینجا می‌رسد که یا موقع گذشته و یا اینکه چند روز بیشتر باقی نیست و در حقیقت عملاً فروشندگان آمریکایی نمی‌توانند شرکت کنند.»^{۴۱} در واقع عامل اصلی این تغییر ناشی از کندی مبادلات و ارتباطات بین‌المللی تحت تأثیر شرایط جنگ جهانی بود. در چنین شرایطی ایران در آستانه شهریور ۱۳۲۰ در خصوص مسائل مربوط به سیاست صنعتی‌سازی خود با دو مشکل بزرگ روبرو بود؛ از یک سو حمله آلمان به شوروی راه ارتباط ایران و آلمان را به عنوان اصلی‌ترین طرف قراردادهای تجاری و صنعتی مسدود کرد. از دیگر سو، تلاش‌های ایران در پیدا کردن طرف‌های جدید تجاری و صنعتی ناکام ماند. بدین ترتیب ایران در خصوص مسائل مربوط به سیاست‌های صنعتی‌سازی خود با مشکل و بن‌بست جدی مواجه گردید و در حالی که نمی‌توانست راهی برای برون‌رفت از این مشکلات پیدا کند، در شهریور ۱۳۲۰ توسط نیروهای متفقین به اشغال درآمد. اشغال کشور نیز مشکلات جدی‌تری بر روند سیاست‌های صنعتی ایجاد کرد.

پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی‌سازی پس اشغال ایران

اشغال نظامی هر کشور، پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای کشور اشغال‌شونده دارد. چنین پیامدهایی مخصوصاً اگر این اشغال در راستای اهداف نظامی صورت گیرد، بیشتر خواهد بود و در نتیجه آن منابع اقتصادی و انسانی کشور اشغال‌شونده در خدمت اهداف نظامی کشور اشغالگر قرار می‌گیرد. چنین قاعده‌ای در خصوص اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ نیز صادق است. زیرا نیروهای متفقین با اهداف نظامی ایران را اشغال کردند و بخش اعظمی از منابع اقتصادی و انسانی ایران در راستای این هدف تحت اختیار خود درآوردند که در این میان صنایع ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. اشغال ایران توسط متفقین سه پیامد عمده برای صنعتی‌سازی در ایران داشت. این پیامدها عبارت بودند از: ۱. اخراج متخصصان و کارشناسان صنعتی آلمان

۴۰. اداره کل آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۵۸ (۶۹ - ۱) ۱۷ - ۵۳ - ۱۳۱۹. Sh

۴۱. همان، سند شماره ۶۷ (۶۹ - ۱) ۱۷ - ۵۳ - ۱۳۱۹. Sh

از ایران؛ ۲. کاهش تولید و یا تعطیلی کارخانه‌ها؛ ۳. اشغال کارخانه‌های ایران توسط متفقین و بکارگیری آنها در راستای اهداف نظامی

اخراج متخصصان و کارشناسان صنعتی آلمان از ایران

نخستین پیامد اشغال ایران بر سیاست صنعتی‌سازی، اخراج کارشناسان و متخصصان فنی آلمان از ایران بود. حضور کارشناسان آلمانی در ایران برای سایر قدرت‌های اروپایی مسأله‌ای مهم بود و همواره به آن با دیده تردید نگریسته می‌شد. در ۶ مهر ۱۳۱۵ رئیس اداره سوم وزارت امور خارجه ایران پس از ملاقات با شارژدافر فرانسه، نگرانی وی را از نفوذ اقتصادی آلمانی‌ها و حضور کارشناسان آن کشور در ایران این‌گونه گزارش داد: «نفوذ آلمان‌ها در ایران روز به روز زیاد می‌شود و این مسئله باعث نگرانی، و بیم آن می‌رود که منظور آلمان‌ها در ایران باطناً احراز نفوذ سیاسی باشد. زیرا مسلم است هر آلمانی که به خارج اعزام می‌شود باید عضو حزب ناسیونال سوسیالیست باشد و اعضای حزب مزبور در هر جا هستند باید مجری نظریات سیاسی دولت آلمان باشند.»^{۴۲}

بر این اساس حضور کارشناسان آلمانی از همان آغاز و پیش از شکل‌گیری دسته‌بندی‌های سیاسی نظامی جناح‌های درگیر در جنگ جهانی دوم، از سوی دیگر رقیبان با دیده شک و تردید نگریسته می‌شد و براساس همین نگرش بود که با آغاز جنگ، این شک و تردید به بدبینی تبدیل شد. به منظور برطرف کردن همین بدبینی بود که رضاشاه در ۲۵ تیر ۱۳۱۹ به تمام وزارتخانه‌ها اعلام کرد تا بدون هماهنگی با وزارت جنگ، متخصصان خارجی خود را به سمت مرزها اعزام نکنند.^{۴۳} این اقدام‌ها اگرچه تا پیش از حمله آلمان به شوروی می‌توانست مؤثر باشد، اما با حمله آلمان به شوروی شرایط تغییر کرد و مسأله حضور متخصصان آلمانی به مسأله‌ای بغرنج در مناسبات ایران و متفقین - شوروی و انگلستان - تبدیل شد.

حمله آلمان به شوروی که موجب اتحاد انگلستان و شوروی شد، زمینه را برای اعمال فشار مشترک دو کشور به ایران جهت اخراج متخصصان آلمانی فراهم کرد. در ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۱ (۲۱ تیر ۱۳۲۰) دو کشور پس از امضای یک قرارداد همکاری یادداشتی به وزیر امور خارجه ایران تقدیم کردند و از دولت ایران خواستند تا اتباع آلمانی را به این دلیل که امنیت ایران را به خطر می‌اندازند، از کشور اخراج کند. اما دولت ایران در هفتم مرداد آن سال طی جوابیه‌ای این درخواست را با استناد

۴۲. اداره کل آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۳ - ۹ - ۵۲ - ۱۳۱۵ Sh.

۴۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۱۴۴، در محل آشیو ۵۳۳ ط ۱ آ ۵، ص ۱۰.

به موارد زیر رد کرد: ۱. تمام اتباع خارجی مقیم ایران تحت کنترل پلیس قرار دارند؛ ۲. اخراج اتباع آلمانی خلاف بی‌طرفی ایران است؛ ۳. ایران کشوری مستقل و حاکم بر امور خویش است که در راه صنعتی کردن کشور مجبور به استفاده از متخصصان خارجی است.^{۴۴}

مخالفت ایران با درخواست متفقین از یک سو و قیام رشید عالی گیلانی در عراق علیه انگلیسی‌ها از سوی دیگر موجب شد تا بر نگرانی‌های متفقین از حضور نیروهای متخصص آلمانی در ایران افزوده شود.^{۴۵} این نگرانی‌ها در حالی ابراز می‌شد که بخش قابل توجهی از این متخصصان و کارشناسان صنعتی ایران را آلمانی‌ها و اتریشی‌های یهودی مهاجر تشکیل می‌دادند.^{۴۶} در چنین وضعیتی و در حالی که از سوی متخصصان صنعتی آلمان خطری متوجه هیچ کشوری نبود، نیروهای متفقین ایران را در شهریور ۱۳۲۰ به بهانه جاسوس بودن متخصصان آلمانی مورد اشغال قرار دادند تا از خاک ایران برای ارسال کمک نظامی به شوروی استفاده کنند.

اشغال ایران ضربه سختی بر صنایع ایران وارد کرد. زیرا اخراج کارشناسان و متخصصان آلمان را در حالی که هنوز ایران به آنها نیازمند بود به همراه داشت. در چنین شرایطی به‌رغم نیاز صنایع ایران به متخصصان آلمانی، آنان همانند دیگر هم‌وطنان خود به نیروهای متفقین تسلیم شدند.^{۴۷} اما این تنها پیامدهای جنگ جهانی دوم بر روند صنعتی‌سازی در ایران نبود. اشغال ایران پیامدهای دیگری در عرصه صنعتی‌سازی به همراه داشت که از جمله آنها کاهش تولید و به تعطیلی کشیده شدن برخی از صنایع و کارخانه‌های ایران بود.

کاهش تولید و یا تعطیلی کارخانه‌ها

اشغال ایران توسط متفقین کاهش چشمگیر تولیدات صنعتی را با خود به همراه داشت. به‌عنوان مثال تا پیش از شهریور ۱۳۲۰، تولید سالانه هشت کارخانه قند ایران، ۳۵ هزار تن بود، اما این میزان در سال ۱۳۲۱ به ۱۴ هزار تن کاهش یافت.^{۴۸} همچنین در تولیدات کارخانه اشباع تراورس

۴۴. الهی، ص ۱۳۳ - ۱۳۲.

۴۵. سرکلارمونت اسکرین، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار (تهران: سلسله، ۱۳۶۳)، ص ۱۵۷.

۴۶. تنها یک بار در ۲۶ مهر ۱۳۱۷ پنجاه و دو نفر یهودی اتریشی متخصص در رشته‌های مهندسی، پزشکی، معلمی و کارگری طی نامه‌ای از وزیر کشور ایران درخواست کردند تا در ایران در مشاغل مربوط به تخصص خود بکار گرفته شوند. رضا آذری شهرضایی، دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴)، ص ۱۱۴.

۴۷. سرریدر بولارد و سرکلارمونت اسکرین، ص ۵۱.

۴۸. حسین آسایش، جغرافیای صنعتی ایران (تبریز: موسسه تحقیقات علوم اجتماعی و علوم انسانی، ۱۳۵۴)، ص ۸۳.

شیرگاه هم کاهش چشمگیر صورت گرفت و این کاهش تا بدانجا پیشرفت که به تعطیلی آن انجامید. کارخانه اسبوع تراورس شیرگاه مازندران، در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد و در سال ۱۳۱۷ کارخانه مشابه دیگری به آن اضافه شد. این دو کارخانه در سال ۱۳۱۹ جمعاً یک میلیون تراورس در سال تولید می‌کردند. اما جنگ جهانی موجب کاهش چشمگیر تولیدات این کارخانه‌ها شد. به گونه‌ای که میزان تولید تراورس در سال ۱۳۲۰ به ششصد هزار و در سال ۱۳۲۱ به دویست هزار کاهش یافت و در نهایت در سال ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ کارخانه‌های تراورس به حالت تعطیلی کامل درآمدند.^{۴۹}

کاهش تولید و تعطیلی کارخانه‌ها پس از اشغال ایران تحت تأثیر دو عامل صورت گرفت: ۱. کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع. مورد اخیر خود یکی از عوامل موثر در کاهش تولید قند بود. زیرا آجر نسوز مورد نیاز کارخانه‌های قند، از جمله کالاهای واسطه‌ای بود که در اثر شرایط جنگی با مشکل واردات مواجه شد؛^{۵۰} ۲. مشکلات ناشی از حمل و نقل، پس از اشغال ایران وسایل و شبکه حمل و نقل کشور در خدمت اهداف نظامی متفقین درآمد. این مسأله موجب شد تا مواد اولیه کشاورزی مورد نیاز صنایع وابسته به تولیدات کشاورزی به موقع به کارخانه‌ها نرسد. در مرکز اسناد مجلس سندهای متعددی وجود دارد که حاوی شکایت‌های مردم شیراز^{۵۱} و کرمانشاه^{۵۲} در خصوص نبود وسایل حمل و نقل برای حمل چغندر به کارخانه‌های قند مروداشت و شاه‌آباد و فاسد شدن چغندرها در نتیجه تحویل نشدن به موقع به آن کارخانه‌ها است. همچنین در همین مرکز اسناد دیگر نیز وجود دارد که حاوی گزارش‌هایی در خصوص نرسیدن گندم کافی به کارخانه‌های آرد تحت تأثیر شرایط جنگ است. کارخانه آرد و ماکارونی تبریز و کارخانه آرد قزوین در نتیجه همین عامل با کاهش تولید و تعطیلی مواجه شدند.^{۵۳}

۴۹. علی زاهدی، لزوم پروگرام صنعتی و صنایع ایران بعد از جنگ، ص ۱۶۳.

۵۰. اداره مرکزی کارخانه‌های قند کشور در سال ۱۳۲۰ به واسطه تجارت‌خانه عظیمی در صدد خرید مقداری آجر نسوز برای کارخانه‌های قند از انگلستان برآمد. قرارداد خرید در ۲۳/۱۲/۱۳۱۷ به امضا رسید. در قرارداد مقرر شده بود آجرهای نسوز ظرف بیست و شش هفته به ایران تحویل داده شود، اما کارخانه انگلیسی فروشنده به علت بروز جنگ مبلغی بر قرارداد تحت عنوان سورشازژ جنگ اضافه کرد. مذاکره بر سر پرداخت یا نپرداختن این مبلغ دستکم تا ۱۳ مهر ۱۳۲۰ ادامه داشت. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره، ۲۴۰۰۲۱۸۴۹، محل در آرشیو ۴۲۰ ث ۲ ب ۱، ص ۶۸.

۵۱. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۳۴۶/۱/۱۸/۱۷۶/۱۳.ج.

۵۲. همان، سند شماره ۳۱۵/۱/۳۱۵/۱۳/۶.۱۳.

۵۳. همان، سند شماره ۲۵/۱/۲۵/۵۴/۱۲.ج.

اشغال کارخانه‌های ایران توسط متفقین برای اهداف نظامی

اشغال ایران علاوه بر پیامدهای فوق، پیامد دیگری نیز بر صنایع ایران داشت. در پی اشغال ایران برخی از کارخانه‌ها به اشغال متفقین درآمدند و در خدمت اهداف نظامی آنان قرار گرفتند. کارخانهٔ ماسک‌سازی ونک یکی از کارخانه‌هایی بود که به این وضعیت دچار شد. پس از اشغال ایران این کارخانه به تصرف متفقین درآمد و در راستای منافع نظامی متفقین تغییر کاربری داد و از ماشین‌آلات آن برای مصارف دیگر استفاده شد؛ از جمله دستگاه پرس آن برای قوطی‌سازی و ماشین‌های خیاطی آن برای دوختن لباس نظامی استفاده شد.^{۵۴}

در اشغال و بکارگیری کارخانه‌های ایران در راستای منافع نظامی، شوروی‌ها بیشترین سهم را داشتند. آنها یک کارخانه پنبه‌پاک‌کنی را در میانه با هدف استفاده از آن به عنوان استراحتگاه سربازان خود،^{۵۵} یک کارخانه کنسروسازی و یک کارخانه اسلحه‌سازی را با هدف استفاده از تولیدات آن به اشغال درآوردند. حکومت شوروی تصمیم داشت این دو کارخانه را به کشور خود انتقال دهد. اما وزیر پیشه و هنر وقت ایران به منظور نجات این کارخانه‌ها و راضی ساختن روس‌ها قراردادی با آنها منعقد کرد که به موجب آن مقرر شد کارخانه‌های مذکور به کمک شوروی‌ها به تولید خود ادامه دهند و محصولات خود را در اختیار دولت شوروی بگذارند. در این قرارداد هیچ شرطی که شوروی را ملزم به پرداخت بهای محصولات این کارخانه‌ها کند وجود نداشت.^{۵۶} بر این اساس شوروی‌ها محصولات این کارخانه‌ها را رایگان مورد بهره‌برداری قرار می‌دادند. با توجه به وجود آمدن چنین شرایطی، مجموعه عوامل مختلف تحت تأثیر جنگ جهانی دوم دست بدست هم دادند تا اجرای سیاست صنعتی‌سازی در ایران با مشکلات متعدد مواجه گردد و در نهایت جریان صنعتی‌سازی در دوران پهلوی اول با تبعید رضاشاه، به عنوان نفر اول حکومتی که سیاست صنعتی‌سازی را به اجرا درمی‌آورد، به پایان برسد.

نتیجه‌گیری

جنگ جهانی دوم از همان ماه‌های نخست آغازش، سیاست صنعتی‌سازی را در ایران تحت تأثیر خود قرار داد. این تأثیرگذاری، در نتیجهٔ به‌وجود آمدن اختلال و کندی در روابط اقتصادی میان

۵۴. زاهدی، ص ۱۶۴.

۵۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۱۲۹۵۴-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۲۰۷ ف ۱ آ ۱، ص ۴.

۵۶. آرتور میلیسپو، آمریکایی‌ها در ایران. ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ‌مه‌دوی (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۰) ص ۲۴۰.

ایران و آلمان به عنوان اصلی‌ترین طرف قراردادهای صنعتی بود. کندی و اختلال ارتباط با آلمان بیش از همه ناشی از محاصره دریایی این کشور توسط انگلیسی‌ها بود. در این شرایط با توجه به ناوگان قوی دریایی انگلستان مشکلات متعددی برای ایران و آلمان در چهارچوب مبادلات تجاری و صنعتی‌شان به‌وجود آمد، در حالی که ایران نیازمند مبادلات صنعتی با آلمان جهت تأسیس، تجهیز، تعمیر و نگهداری صنایع نوپای خود بود و در نتیجه همین نیاز دچار نوعی وابستگی صنعتی به آلمان شده بود. ایران اقدام‌های متعددی برای برطرف کردن این مشکل انجام داد؛ تلاش برای پیدا کردن طرف‌های جدید قرارداد صنعتی و انعقاد قرارداد ۱۳۱۹ با شوروی به منظور استفاده از خاک این کشور برای انجام مبادلات تجاری و صنعتی با آلمان از جمله این اقدام‌ها بود که نتیجه‌ای نداشت. تلاش برای پیدا کردن طرف‌های جدید قرارداد صنعتی به‌رغم مذاکرات جدی با دولت‌های انگلستان و آمریکا و حتی بخش‌های خصوصی این دو کشور تحت تأثیر شرایط جنگی و سیستم خاص مبادلات تجاری ایران (مبادله پایاپای)، با مخالفت آنان مواجه شد و ناکام ماند. از سوی دیگر، حمله نظامی آلمان به شوروی نیز آخرین تلاش ایران را برای حفظ مبادلات تجار و صنعتی با آلمان به ناکامی کشاند.

صنایع ایران در اثر قطع ارتباط با آلمان با مشکلات متعددی روبرو شد و اشغال ایران توسط متفقین با هدف کمک رسانی به شوروی در جنگ با آلمان، ضربه نهایی را بر جریان صنعتی‌سازی در ایران وارد کرد. نخستین پیامد اشغال ایران بر سیاست صنعتی‌سازی اخراج متخصصان آلمانی شاغل در صنایع ایران بود. پیامدهای اشغال ایران بر سیاست صنعتی‌سازی به این اندازه محدود نماند. کاهش تولید و یا تعطیلی کارخانه‌ها تحت تأثیر شرایط جنگی، اشغال و به خدمت گرفتن کارخانه‌ها و تولیدات آن در راستای اهداف نظامی اشغالگران و تبعید رضاشاه از کشور به عنوان عامل اصلی سیاست‌گذاری جریان صنعتی‌سازی از جمله پیامدهای دیگر اشغال ایران توسط متفقین بود. بدین ترتیب مجموعه‌ای از عوامل مختلف تحت تأثیر پیامدهای جنگ جهانی دوم دست به دست هم دادند و سیاست صنعتی‌سازی در ایران عصر پهلوی اول ناکام به پایان رسید.

کتابنامه

- آذری شهرضایی، رضا. *دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴.
 آسایش، حسین. *جغرافیای صنعتی ایران*. تبریز: موسسه تحقیقات علوم اجتماعی و علوم انسانی، ۱۳۵۴.
 اسکراین، سرکلارمونت. *جنگ جهانی در ایران*. ترجمه غلامحسین صالحیار. تهران: سلسله، ۱۳۶۳.
 الهی، همایون. *اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم*. تهران: مرکز دانشگاهی، ۱۳۶۱.

آوری، پیترو. تاریخ معاصر ایران. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. ج ۲. تهران: مطبوعاتی عطایی. بی‌تا.
بولارد، سرریدر. و سرکلارمونت اسکراین. شترها باید بروند. ترجمه حسین ابوترابیان. ج ۲. تهران: نشر نو،
۱۳۶۳

پیرن، ژاک. جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر. ترجمه رضا مشایخی. ج ۲. تهران: کتابخانه ابن‌سینا، بی‌تا.
روزنامه رسمی کشور. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی. ج ۲ تهران: قوه
قضائیه، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
زاهدی، علی. صنایع ایران بعد از جنگ. تهران: بی‌نا، ۱۳۲۳.
_____ لزوم پروگرام صنعتی، صنایع ایران بعد از جنگ. تهران: بی‌نا، ۱۳۴۲.
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. سند شماره، ۲۴۰۰۰۸۶۰۲، محل در آرشیو ۶۰۱
س ۱ آ.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۰۸۶۶۰۱، محل در آرشیو ۶۰۹ س ۱ آ ۱.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۰۹۸۴۱، محل در آرشیو ۳۰۱ ص ۱ آ ۴.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۱۰۷۰۳، محل در آرشیو ۷۰۲ ط ۱ آ ۱.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۱۱۱۴۴، در محل آشپزخانه ۳۳ ط ۵ آ ۱.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۱۲۹۵۴، محل در آرشیو ۲۰۷ ف ۱ آ ۱.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۱۳۹۹۵، محل در آرشیو ۴۰۲ ق ۱ آ ۳.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۱۳۹۹۶، محل در آرشیو ۴۰۱ ق ۱ آ ۳.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۱۴۷۱۸، محل در آرشیو ۴۱۱ ک ۱ آ ۳.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۱۹۷۵۲، محل در آرشیو ۵۷۰۴ ب ۱ آ.

_____ سند شماره، ۲۴۰۰۲۱۸۴۹، محل در آرشیو ۴۲۰ ث ۲ ب ۱ آ.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۲۴۹۲۳، محل در آرشیو ۸۰۳ د ۳ ب ۱ آ.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۳۷۰۵۸، محل در آرشیو ۸۰۳ ی ۲ ب ۱ آ.

_____ سند شماره ۲۴۰۰۳۷۸۴۶، محل در آرشیو ۴۰۲ پ ۱ آ.

سپهر، احمدعلی. ایران در جنگ جهانی دوم. تهران: دانشگاه ملی، ۱۳۵۵ (۲۵۳۵).

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. مرکز اسناد: سند شماره ۲۵ / ۱ / ۲۲ / ۵۴ / ۱۲ ج.

_____ سند شماره ۳۱۵ / ۱ / ۳۳ / ۱۳ ج.

_____ سند شماره ۳۴۶ / ۱ / ۱۸ / ۱۷۶ ج.

گرنویل، جان. تاریخ جهان در قرن بیستم، ترجمه جمشید شیرازی و دیگران. تهران: نشر و پژوهش فرزانه
روز، ۱۳۷۷.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سند شماره ۳ - ۹ - ۵۲ - ۱۳۱۵ Sh.

_____ سند شماره ۰۰۲ (۱ - ۵۶) - ۵۲ - ۵۴ - ۱۳۱۹ Sh.

_____ سند شماره ۰۴۹ (۱ - ۵۶) - ۵۲ - ۵۴ - ۱۳۱۹ Sh.

_____ سند شماره، ۰۴۷ (۱ - ۶۹) ۱۷ - ۵۳ - ۱۳۱۹ Sh.

_____ سند شماره ۰۵۸ (۱ - ۶۹) ۱۷ - ۵۳ - ۱۳۱۹ Sh.

- میلسپو، آرتور. آمریکایی‌ها در ایران. ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی. تهران: نشر البرز، ۱۳۷۰.
همتی، عبدالناصر. مشکلات اقتصادی جهان سوم. تهران: سروش، ۱۳۶۶.
هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا. روابط خارجی ایران در دوره پهلوی. تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی